



ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان

عبدالعزیز عبداللطیف | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا



ابن تیمیہ و تلاش برای وحدت مسلمانان |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان

«تلاش در راه مصلحت جماعت از آنجایی که در بر دارندهٔ خشنودی رحمان و سرور برادران و سرکوبی شیطان است، از واجب‌ترین واجبات و از نزدیک‌ترین قُرُبات به الله متعال و بهترینِ نیکی‌هاست»^۱.

ابن تیمیه نامهٔ خود به یکی از والیان آن دوران را اینگونه آغاز کرده است. چیزی که اینجا باعث شگفتی است، این است که هرچه انحرافات و شبهات بیشتر است و بدعت‌ها و هواهای نفسانی افزون‌تر، کوشش ابن تیمیه برای اتحاد بر حق و الفت و دلسوزی برای خلق نیز افزایش می‌یابد.

(۱) جامع المسائل ۶۶/۹ با اندکی اختصار.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

از جمله آنکه وقتی دشمنان و مخالفان وی به سبب «عقیده واسطیه» بروی شوریدند و علیه او دست به جوسازی زدند و مجالسی چند برای مناظره و محاکمه‌اش ترتیب دادند، در آن شرایط آکنده از بی‌انصافی و بهتان و تحریک سلطان علیه شیخ الاسلام، می‌بینیم که ابن تیمیه خود را از تحزب و تحریک و دشمنی به دور داشته و در حق مخالفانش مهرورزی کرده و مجلس مناظره را با دعوت به اجماع و همدلی آغاز می‌کند و می‌گوید: «الله ما را به اتحاد و ائتلاف امر نموده و از تفرقه و اختلاف باز داشته است. پروردگار ما یکی است و پیامبر ما یکی و کتاب ما یکی و دین ما یکی است، و در مورد اصول دین بین سلف و امامان اسلام اختلافی نیست و افتراق به آن راهی ندارد، زیرا الله تعالی می‌فرماید:

{وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} [آل عمران: ۱۰۳]^۲

(و به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید).

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

هنگامی که میان حنبلیان و اشعریان اختلاف و دشمنی رخ داد، ابن تیمیه دعوت به الفت نمود و گفت: «مردم می‌دانند که میان حنبلیان و اشعریان اختلاف و دشمنی بود و من از کسانی بودم که بیش از همه سعی در تالیف دلهای مسلمانان داشته و در طلب اتحاد کلمه‌شان و پیروی از چیزی بودم که به آن امر شده‌ایم یعنی چنگ زدن به حبل الله و از بین بردن عموم دشمنی‌هایی که در دل‌ها بود».^۳

عجیب این است که گروهی از علما و دعوتگران گمان می‌کنند که اتحاد با دیگر اهل قبله و مسلمانان موجب سبک شدن و در نظر نگرفتن اصول و قواعد در دلائل و مسائل است و لازمهٔ این اتحاد دست کشیدن و کوتاه آمدن از ثوابت و محکّمات است. کار به جایی که رسیده که دعوتگران به اتحاد متهم به مداهنه و ترک اصول می‌شوند و در مقابل دعوتگران اتباع و پیروی از اصول به تفرقه‌اندازی متهم می‌شوند! اما حق آن است که همیشه میان اتباع و

(۳) فتاوی ۲۲۷/۳.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

اتحاد نوعی تلازم وجود دارد چنانکه ابن تیمیه در چندین موضع یادآور شده است.

ایشان - رحمه الله - بیان داشته که هرگاه اعتصام به کتاب و سنت ترک شود ناگزیر اختلاف پدیدار خواهد شد^۴ همچنانکه تقریر نموده است سبب اجتماع و الفت، جمع دین و عمل به همه آن است یعنی عبادت الله به تنهایی و بدون شریک در ظاهر و باطن چنانکه امر نموده، و سبب تفرقه ترک بخشی از امر پروردگار و بغی و تجاوزکاری میان بندگان است و اینکه فرجام جماعت به دست آوردن رحمت خداوند و رضوان و درود او و سعادت دنیا و آخرت و سفیدرویی است، و پایان تفرقه چیزی نیست جز عذاب خداوند و نفرین او و روسیاهی و بیزاری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از آنان.^۵

وی در جایی دیگر بر این مساله تاکید نموده و می گوید: «هر گروهی که از سنت دورتر باشد درگیری و اختلاف درباره معقولات در بین آنان بیشتر است،

(۴) نگا: درء تعارض العقل والنقل ۵/۲۸۴.

(۵) نگا: فتاوی ۱/۱۷.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

برای همین معتزله در بین خود بیشتر دچار اختلافند تا متکلمان اهل اثبات [صفات]...^۶ و همچنین می‌گوید: «معلوم است که این متکلمان فلاسفه و دیگران بیشترین کسانی هستند که دچار تفرقه و اختلاف شده‌اند و این را می‌توانی از سخنانشان دربارهٔ جسم و جوهر و عَرَض و احکام آن و دیگر مسائل ببینی که در موردش چنان دچار آشفتگی‌اند که تنها الله می‌داند».^۷

همانگونه که ابوالعباس ابن تیمیه از جنبهٔ نظری و تاصیلی به بیان تلازم میان پیروی و اتحاد پرداخته، از منظر واقع و عمل نیز آن را به منصهٔ ظهور رسانده است. ببین وی در برابر گمراهی‌های ابن عربی طائی چه واکنشی نشان داده است، آنجا که گروهی از علما و مشایخ عباد نزد وی حضور یافته و کتاب «فصوص الحکم» ابن عربی آورده شد. در آن مجلس ابوالعباس به بیان قسمت‌هایی از زندقهٔ ابن عربی مانند وحدت وجود پرداخت و حقیقت سخنان او را برای آن مشایخ روشن کرد.

(۶) درء تعارض العقل والنقل ۱/۱۵۷.

(۷) بیان تلبیس الجهمیة ۵/۱۶۰.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

ابن تیمیه پس از آن می‌گوید: «پس از آنکه بر این سخنان واقف گشتند سخن آنان بر این متفق گشت که این کفر و الحاد و است و آنان از اهل حلول و اتحاد به درگاه الله تعالی اظهار بیزاری نموده‌اند... و پس از آن میان آنها اتفاق و ائتلاف و نیکی و مکارم اخلاق و توصیه به حق و صبر پدیدار گشت».^۸

سپس وی گزارشی از این مجلس که با حضور آن مشایخ درباره گمراهی‌های ابن عربی برگزار شده بود نوشته و آن را با این سخن به پایان رساند: «و الله دل‌هایشان را بر آن یکجا نمود و من نیز در این مورد با آنان موافقم»^۹ و پس از آن خط مشایخ حاضر را آورده است.^{۱۰}

از جمله تحریرات عمیق ابن تیمیه که نشان دهنده اهمیت ایشان به همگرایی و اتحاد است، این که وی در چند جایگاه یادآور شده که غالب

(۸) جامع المسائل ۲۵۰/۷-۲۴۸، با اختصار.

(۹) جامع المسائل ۲۵۷/۷.

(۱۰) نگا: جامع المسائل ۲۵۸/۷-۲۵۷.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

اختلافات واقع در امت ناشی از بغی^{۱۱} و از حد گذشتن است و این بغی عاملش جهل است و ظلم، و هرگاه علم آشکار گردد و عدالت محقق شود اختلافات ناشی از آن نیز از بین رفته و گمراهی‌ها زائل می‌گردد. وی - رحمه الله - می‌گوید: «اگر در اختلافاتی که میان این امت و علما و عابدان و امیرانش رخ می‌دهد بنگری خواهی دید که بیشترش به سبب بغی است که یا از روی تاویل است یا بدون تاویل، همانطور که جهمیان بارها علیه سُنّیان از حد به در رفتند و همانگونه که ناصبیان در مورد علی - رضی الله عنه - انجام دادند و همانگونه که برخی از سُنّیان علیه یکدیگر انجام می‌دهند یا علیه کسانی که دارای نوعی بدعت هستند مرتکب می‌شوند و از آنچه الله به آن امر نموده می‌گذرند و زیاده‌روی می‌کنند»^{۱۲}.

ابن تیمیه به ذکر موانع اهلیت در مسائل اختلاف و افتراق پرداخته و بیان می‌دارد که عموم اختلافات مستوجب گمراه یا گناهکار دانستن نیست زیرا

(۱۱) نگا: الاستقامة ۱/۳۸، و فتاوی ۳/۳۷۸.

(۱۲) فتاوی ۱۴/۴۸۲، ۴۸۳، با اندکی اختصار.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

ممکن است که مخالف، مجتهدِ خطاکار باشد (خطایش از روی اجتهاد بوده) یا از روی تاویل اشتباه کرده باشد. ابوالعباس از روی افق وسیع و علم گسترده و رحمت و عدل با دلیل و برهان حق را تقریر می‌نماید، اما مخالف خود را به سبب تاویل با شبهه یا مانند آن معذور می‌داند و پنهان نیست که همین معذور دانستن از تندی اختلاف کاهیده و فاصله حاصل از افتراق را کم می‌کند زیرا کسی که در راه اجتهاد تلاش خود را کرده اشتباهش بر اساس این آیه بخشیده شده است:

{رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا} (البقره: ۲۸۶)

(پروردگارا اگر فراموش کردیم یا دچار خطا شدیم ما را مواخذه نکن).

و در همین باره می‌گوید: «من تقریر می‌دارم که الله خطای این امت را بخشیده و خطا هم مسائل خبری قوی و هم مسائل عملی را شامل می‌شود

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

و سلف در بسیاری از مسائل اختلاف کرده‌اند حال آنکه هیچ‌یک از آنان علیه دیگری نه بر کفر و نه به فسق و معصیت شهادت نداده است».^{۱۳}

ابن تیمیه تلاش دارد که با ذکر اسباب اختلاف و افتراق روش دفع و رفع آن را نیز بیان دارد، از جمله آنکه طوائفی گوناگون به [عقیده] حقی که دارند چیزی را اضافه می‌کنند که جزو حق نیست و این به سبب یک تشابه در معنا یا اشتراک لفظی است و به همین سبب اختلاف و تفرقه و جهل و ستم رخ می‌دهد، اما اگر این اشتباه از بین رود و اشتراک بیان شود اختلاف فوق نیز از بین رفته و همگرایی رخ می‌دهد. ابن تیمیه می‌گوید: «اجمال و اشتراکی که از جهت نفی و اثبات در نام‌ها وجود دارد و می‌بینی طوائفی از مسلمانان برای اثبات یا نفی یک لفظ با یکدیگر دشمنی می‌کنند و دچار اختلاف می‌شوند یا می‌جنگند، و اثبات کنندگان، نافیان را به چیزی متهم می‌کنند که قصد آنان نبوده و نافیان نیز اثبات کنندگان را به آنچه نخواسته‌اند متهم می‌سازند؛ زیرا در خود لفظ اجمال و اشتراکی وجود دارد که هم احتمال معنای حق می‌دهد

(۱۳) فتاوی ۲۲۹/۳، و نگا: الفتاوی ۳۴۶/۷.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

و هم معنای باطل، اینجا اثبات کننده لفظ نافی را متهم به انکار حق می‌کند و نافی، اثبات کننده را به این متهم می‌کند که امر باطلی را به خداوند نسبت داده است.^{۱۴}

وی در جای دیگری تاکید می‌کند که بیشتر اختلاف مردم از جهت اشتراک نام‌ها رخ می‌دهد و بیشتر درگیری‌ها سببش الفاظ مُجمل و نوساخته و معانی مُشتَبِه است.^{۱۵}

آنچه جالب توجه است اینکه ابن تیمیه تنها به تقریر این مساله پرداخته که عموم مسائل علمی اعتقادی منصوص و محل اجماع سلف است، بلکه در جاهای بسیاری تاکید نموده که عموم مسائل فقهی عملی نیز منصوص علیه و مجمع علیه هستند و فقه از باب علوم است نه از باب ظُنون (گمان). آنطور که متکلمان ادعا کرده‌اند - و نزاع و گمان در مسائل فقه بسیار کم است.^{۱۶} و

(۱۴) بیان تلبیس الجهمیة ۳/۳۰۷-۳۰۸.

(۱۵) نگا: فتاوی ۱۲/۱۱۴، ۱۱۳.

(۱۶) نگا: الاستقامة ۱/۷۵، الفرقان بین الحق و البطلان ۴۲۶-۴۲۵.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

معلوم است که جزم و تاکید بر اینکه مسائل فقه منصوص هستند از دایره نزاع و افتراق خواهد کاست.^{۱۷}

در نامه ابن تیمیه به اهل بحرین نشانه‌هایی با ارزش در تحقیق اتحاد و همگرایی موجود است از جمله یادآوری بعثت محمدی - صلی الله علیه وسلم - که خداوند به واسطه آن پراکندگی‌ها را یکجا نمود و دل‌ها را تالیف داد^{۱۸} و هشدار درباره جدل که به اختلاف و تفرقه می‌انجامد.^{۱۹}

از جمله تحریرات وی در آن رساله این سخن اوست که می‌گوید: «آنها [یعنی سلف صالح] در یک مساله از روی مشورت و مناصحت مناظره می‌کردند و چه بسا درباره یک مساله علمی و عملی اختلاف می‌کردند اما این همراه با الفت و حرمت و برادری دینی بود. آری آنچه خلاف کتاب مستبین و سنت مستفیض

(۱۷) ابوالعباس به این اکتفا نکرده بلکه به جزم بیان داشته که منسوخ در شریعت پیامبران

به نسبت متفق علیه کم است. نگا: الجواب الصحيح ۱/۳۷۶، ۴/۳۳.

(۱۸) نگا: فتاوی ۱۷۰/۲۴.

(۱۹) نگا: فتاوی ۱۷۱/۲۴.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

یا اجماع سلف امت باشد اختلافی است که عذری در آن پذیرفته نمی‌شود، و در این مورد رفتاری می‌شود که با اهل بدعت می‌شود... اما اگر قرار بود با هر اختلافی که دو مسلمان با هم داشتند از هم دوری می‌گزیدند در بین مسلمانان نه حرمتی می‌ماند و نه برادری».^{۲۰}

حاصل آنکه ابوالعباس بن تیمیه بر مصلحت اتحاد مسلمانان حریص، و نسبت به همه آنان رحیم و مهربان بود، اگر چه بسیاری با وی از در خصومت وارد شده و دچار بغی و سرکشی شدند و علیه او دست به توطئه زدند، همانطور که در این سخن او آشکار است: «می‌دانید که یکی از قواعد بزرگی که از مسائل فراگیر دین است: تالیف دل‌ها و وحدت کلمه و اصلاح روابط است، زیرا الله تعالی می‌فرماید: **{وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا}** و می‌دانید که ما همه بر نیکی و تقوا همکاری و یاری یکدیگر از گذشته لازم‌ترو مهم‌تر است... من هر مسلمانی را حلال کرده‌ام و خواهان خیر برای همه مسلمانان هستم و برای هر مومنی همان خیری را خواهانم که برای خود، و

(۲۰) فتاوی ۱۷۲-۱۷۳/۲۴.

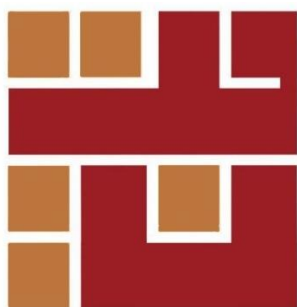
ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان |

کسانی که بر من دروغ بسته و در حقم ستم روا داشته‌اند از جهت من حلال شده‌اند».^{۲۱}

می‌بینیم که چگونه نفس‌های ابن تیمیه صرف اقامهٔ دین و اتحاد مردم بر طاعت الله و تالیف دلها شده، از بهره‌های نفسانی و حق خود گذشته است.

(۲۱) العقود الدریة ص ۳۲۶-۳۲۲، به اختصار.

ابن تیمیه و تلاش برای وحدت مسلمانان



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies